

مقدمه

نگاه کردن متفاوت به مساله و رسیدن به یک راه حل جدید، همان چیزی است که عموماً از آن به خلاقیت تعبیر می‌شود. اما خلاقیت مفهومی نیست که بتوان آن را در یک جمله و حتی یک کتاب مفصل هم توضیح داد. خلاقیت در حقیقت، فرآیندی است که در ذهن فرد خلاق اتفاق می‌افتد و حاصل آن شکل گرفتن یک ایده‌ی جدید با یک راه حل ابتکاری است.

این که خلاقیت ذاتی است یا اکتسابی، موضوعی نیست که این روزها ضرورت بحث بر سر آن در میان باشد. دنیای امروز تلاش می‌کند خلاقیت و مباحث مرتبط با آن را، چه در زمینه‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی و چه در زمینه‌های مدیریت و کسب و کار، به درستی بشناسد و ابعاد مختلف آن را توسعه دهد. کتاب‌های فراوانی که درباره‌ی تکنیک‌های افزایش خلاقیت در افراد و در سازمان‌ها نوشته شده‌اند، گویای این حقیقت می‌باشند که توجه به خلاقیت و توسعه‌ی آن در سازمان، نه تنها باعث می‌شود که افراد از کار خود احساس رضایت بیشتری کنند، بلکه در پیش برد سازمان و افزایش بهره‌وری و رسیدن به موفقیت‌های بزرگ سهم عمده‌ای دارد.

برای آن که بتوانیم خلاق باشیم، باید ابتدا معنی و مفهوم خلاقیت را به درستی بشناسیم و بتوانیم بین خلاقیت، هوش، دانش و مهارت تفاوت قائل شویم. دانستن این که ساختار ذهن چیست و چگونه در فرآیند شکل‌گیری تفکر خلاق تاثیر می‌گذارد، با این که ممکن است مستقیماً روی افزایش خلاقیت فرد اثر نگذارد، بدون تردید باعث می‌شود که نگاه فرد به روش‌ها و تکنیک‌هایی که برای افزایش خلاقیت مطرح می‌شوند تغییر کند.

درگیر حل یک مسأله‌ی جدید کنیم، یا اینکه سعی کنیم مسأله‌ی دور و برمان را به روش‌هایی که متخصصان این رشته پیش نهاد داده‌اند حل کنیم.

الف - تقویت عناصر انگیزشی خلاقیت

پرورش عنصر انگیزشی خلاقیت باید اساساً در بستر خانواده صورت گیرد، زیرا مستعدترین محیط برای شکل دهی آن محیط کلامی و نظام تربیتی و رفتاری خانواده است. کودک و نوجوان اوقات زیادی را در خانواده سپری می‌کنند، بنابراین این طبیعی است که بیشترین تاثیر را نیز از آن بپذیرد.

بیان این نکته از آن روست که بگوییم هر چند می‌توان در محیطی غیر از خانواده (آموزشگاه یا جایی دیگر) به تقویت عناصر انگیزشی خلاقیت مبادرت ورزید، اما تاثیر این عوامل با اندازه و اهمیت عامل نخستین نیست. پس بهتر است که هدایت‌ها و روش‌های اتخاذ شده محیط دوم یعنی «محیط یادگیری» به محیط نخستین یعنی خانواده نیز انتقال یابد و در آنجا هم مورد تمرین و تقویت قرار گیرد؛ این انتقال زمینه‌های تثبیت و تحکیم انگیزش خلاقه را بیش از پیش فراهم آورد.

آمابیلی (۱۹۸۸) معتقد است، برای رسیدن به خلاقیت بهتر است که انگیزه و به ویژه انگیزه درونی پرورش پیدا کند و در جایی دیگر به نقش اهمیت انگیزش بیرونی اشاره می‌کند. ما ضمن احترام به این نظر توصیه‌هایی در قالب انگیزه درونی و بیرونی ارائه می‌کنیم.

چون فعالیت انگیزشی خلاق عمدتاً ماهیتی کلامی دارد، یعنی باید به وسیله کلام و روابط کلامی وارد آن شد شاید درست نباشد که آن را محدود به فضای خاص کرد. در کودکان انگیزه معمولاً

شوند به انگیزه خود سازمان دهند و جهت ان را مشخص کنند (درونی سازند یا بیرونی) طوری که برجستگی با یکی باشد برخورد کلامی ما یا به عبارت ساده تر برخورد شفاهی ما نقشی اساسی دارد. آنچه هسته و محور برخورد را می سازد گرایش و جهتی است که در خود پاسخ یا کلام نهفته است؛ آیا کلام مشوق انگیزه درونی است یا بیرونی. بنابراین، در اولین گام آموزش « انگیزه » باید به جهت پاسخها و هدایت های کلامی فرد توجه کافی داشته باشیم. برای مثال وقتی از کودک می پرسیم چرا بازی نمی کنی و او می گوید حوصله ندارم و پاسخ ما را در جهت دادن به رفتار کودک ممکن است این چنین باشد:

- اگر به او بگوییم خوب است که تو هم مثل بقیه بچه ها بازی کنی به رفتار او جهتی بیرونی می دهیم

- اگر بازی را به میل، تصمیم و انتخاب او واگذاریم رفتار او را جهتی درونی می بخشیم.

اکنون که اطمینان حاصل کردیم باید مراقب سوالها و پاسخهای خود باشیم. به سراغ روش هایی می رویم که به انگیزه درونی کودکان دامن می زند. نوع برخوردهای کلامی مثبت که در این رابطه

می توان داشت عبارتند از:

مثال: شرکت در بازی کاردستی

برخوردها: - آیا این بازی را دوست داری؟

- دوست داری این بازی چگونه برگزار شود؟

- چه احساسی نسبت به ساختن کاردستی داری؟

- دوست داری چه وسایلی در اختیار شما باشد؟

- دوست داری ...

در این مثال، خود کودک و احساسات و علاقمندی‌های او محور فعالیت است. به او امکان داده می‌شود هر طور دوست دارد عمل کند نه آن طور که ما دوست داریم. ممکن است ما به ساختن گل علاقمند باشیم و او به ساختن خورشید؛ چنانچه در این فعالیت نظر و گرایش ما غالب باشد جهت انگیزه کودک بیرونی خواهد شد. یعنی او یاد می‌گیرد که به چیزی غیر از احساسات و علاقمندی‌های خود بیندیشد. چیزی که دیگران و محیط به او می‌دهند. بنابراین در این نوع از فعالیت هدایت انگیزه به خود کودک واگذار می‌شود. اما در عین حال ممکن است این سوال پیش بیاید که شاید کودکان توقع زیادی داشته باشند و ما به دلیل محدودیت نتوانیم ابزار یا امکانات دلخواه آنها را تامین کنیم، در این مواقع توصیه نمی‌شود که به تمام خواسته‌های کودک پردازیم بلکه می‌توان رفتاری مشابه روش زیر داشت:

- نباید با تحکم به کودک فهماند که امکانات محدود است.

- باید کودک را ترغیب کرد که امکانات را ببیند و بدون اظهار نظری اضافی در مورد کمبود وسایل و ... به او گفت ما این‌ها را در اختیار داریم تو دوست داری کدام را انتخاب کنی؟

- حتی اگر کودک دست به انتخاب نزد، با ارتباطی متمایل به سوی انگیزه درونی می‌توان از او خواست یا وسایل دلخواه را از منزل بیاورد یا به فعالیت دلخواه دیگری پردازد.

که شکایتی نداشته و آن را دوست داشته باشد) برسد و مسئولیت آن را قبول کند.

گام دوم انگیزه درونی و بیرونی را هم زمان استمرار می‌بخشد، جدی گرفتن و بها دادن به آنها است. اگر ما به هدایت کودک به این هدف که خود تصمیم بگیرد، انتخاب کند، و بسازد می‌پردازیم. باید به مسئولیت‌ها، تصمیم‌ها، انتخاب و آثار او نیز عمیقاً توجه کنیم. در این رابطه توصیه می‌شود، رفتارهای ابتکاری و سازنده کودک ولو کوچک و ناچیز مورد تشویق قرار گیرد. در این مواقع بهتر است از تشویق‌ها و دلگرمی‌هایی که انگیزه درونی را قوت می‌بخشد استفاده شود. عموم این تشویق‌ها ماهیتی کلامی دارند، نمونه‌هایی نظیر آنچه در زیر پیشنهاد می‌شود از این قبیل اند:

- تصمیم جالبی گرفتی، موفق باشی.

- خانه قشنگی ساختی معلوم است برایش زحمت زیادی کشیدی.

- پشتکارت قابل تحسین است.

- فکرهای خیلی خوبی داری، باید آنها را جدی بگیری.

- بالاخره آنچه را دوست داشتی، ساختی.

- انتخاب شما هم خوب است.

برای تداوم انگیزه درونی هم زمان می‌توان از مشوق‌های غیر کلامی نیز استفاده کرد. نسبت بین

این که آیا باید همیشه تشویق‌ها کلامی باشد یا چیز دیگر این است که گرایش غالب، معمولاً به

طرف تشویق‌های کلامی (و با جهتی درونی) است، اما در پاره‌ای موارد شکل‌های دیگری از

تشویق موثرتر است. باید به رفتارهای ابتکاری، خلاقه و سازنده کودک جایزه نیز داد و کودک را

شرکت دادن اثر کودک در یک نمایشگاه کوچک تا دریافت وسیله مورد آرزو نوسان پیدا کند. به طور کلی، اگر چه نظام تشویق و ترغیب در افراد خلاق «درونی» است اما آنها نیز گاهی به محبت و دلگرمی که از قاعده و روشی عادلانه پیروی کند و بدون چشم داشت در اختیار آنها قرار گیرد.

ب - تقویت عناصر شخصیتی خلاقیت

در بین مولفه‌های شخصیتی خلاقیت چند عنصر را به سادگی نمی‌توان پرورش داد. به عبارت دقیق‌تر، این گونه عناصر بیش از همه نیازمند تقویت در بستر خانواده و به ویژه مدرسه هستند. علت نیز این است که چند ساعت آموزش تأثیر شگرف و محسوسی بر آنها نمی‌گذارد: اعتماد به نفس، اراده مستقل و پذیرش خطر نمونه‌هایی این گروه به شمار می‌روند. این عناصر معمولاً در طول زمان و تحت تعلیمات ساده و پیچیده والدین، معلمان و مربیان شکل می‌گیرند. بنابراین این ساده‌انگاری است اگر تصور کنیم در مدت کوتاهی می‌توانیم این ویژگی‌های مهم را در افراد پرورش دهیم. ما با رعایت این ملاحظات به شیوه‌های پرورش عناصر شخصیتی خلاقیت اشاره می‌کنیم که قادر به زمینه‌سازی تقویت این عناصر هستند:

۱- اعتماد به نفس و اراده مستقل

یک سکه‌اند. اراده مستقل در کنار اعتماد به نفس تحقق می‌یابد و اعتماد به نفس نیز با یاری اراده مستقل بروز و ظهور پیدا می‌کند. به این دلیل ما آنها را در ارتباط با هم مطرح می‌کنیم.

فعالیت اعتماد - اراده : برای پرورش این دو عنصر مهم در کودکان سه گام در قالب راه‌هایی که به ایجاد اعتماد به نفس و اراده منتهی می‌شوند پیشنهاد می‌شوند.

گام اول - شناخت توانایی‌ها و قابلیت خویش

اولین گام در پرورش اعتماد به نفس و اراده مستقل این است که کودک بداند چه توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی دارد. چنانچه این تصور بریا کودک فراهم آید که به چه چیزهایی علاقمند است و چگونه باید به آنها پردازد قدم مهمی در راه کشف خویشتن برداشته است.

یکی از فعالیت‌های پیشنهادی می‌تواند این باشد که به کودک کمک کنیم به برداشت و تصویر درستی از توانایی‌ها و علاقمندی‌های خود برسند؛ یعنی کشف چیزهایی که بیشترین رغبت و تمایل را برای آنها دارد. این کشف از طریق مکالمه با کودک، بازی با او، نظر خواهی از والدین، گرایش‌هایی که به اسباب بازی‌ها یا فعالیت‌ها نشان می‌دهد، چیزهایی که می‌سازد یا درست می‌-

کند و ... محقق می‌شود. معمولاً کودکان (خلاق) به یک یا چند موضوع علاقه زیادی دارند. این وظیفه مربی یا دستانداران کودک است که علاقمندی او را کشف و برای پرورش آنها برنامه ریزی کند. اگر کودک به موقعیت‌های کوچک و بزرگی در این زمینه دست یابد قطعاً در باور و اعتماد به خویشتن به پیشرفت‌های زیادی نایل خواهد شد. در دوران کودکی بهتر است کودک را با چنین اقدام‌هایی به خودباوری رساند و در دوران نوجوانی سطحی وسیع‌تر را مدنظر قرارداد. در

کودک برنامه‌ای ویژه شناخت قابلیت‌های خود داشته باشد. در این برنامه نیز تاکید می‌شود کودک باید به سوی انگیزه درونی هدایت شود، طوری که خود کودک بتواند نقش یک ارزیابی کننده و کاشف را برای خویشتن بازی کند.

گام دوم - راه‌های مقابله با مسائل
گام دوم که از مهم‌ترین گام‌های محسوب می‌شود این است که کودک را تمرین دهیم تا بهتر به حل مسائش پردازد و به دنبال راه حل بگردد. کودک باید یاد بگیرد که هر مسأله و مشکلی راه حلی دارد؛ حتی چیزهایی که خیلی سخت و مشکل به نظر می‌رسند.

گام سوم - حق انتخاب و تصمیم‌گیری
حق انتخاب از جمله رفتارهایی است پیش از همه به اراده مستقل نیاز دارد. اما برای آن که انتخابی صحیح داشت باید به باوری درست از محدوده توانایی‌ها و قدرت تصمیم‌گیری رسید؛ این اعتماد به نفس. در تکمیل گام‌های پیشین برای تقویت اراده و اعتماد به نفس باید گام سوم یعنی «حق انتخاب و تصمیم‌گیری» را برداشت. به عبارتی دیگر، کودک باید به سمت و سویی هدایت شود که بتواند دست به انتخاب بزند و تصمیم بگیرد.
فعالیت انتخاب و تصمیم‌گیری: در این فعالیت نیازی نیست گروه خاصی را تدارک بینیم. بلکه پیشنهاد می‌شود این فعالیت در عملکردهای گوناگون کودک نظیر فکر کردن، بازی، خرید،

می دهد؛ یعنی از طریق صحبت و گفتگو زمینه های انتخاب برای کودک فراهم می آید و ذهن او با کلمات به سوی تصمیم گیری مناسب هدایت می شود. بنابراین، مکالمه با کودک یک تمرین مهم محسوب می شود و بهتر است به نحوی باشد که حق انتخاب را به او بسپارد و مداخله گرانه نباشد. برای پیگیری این فعالیت پیشنهادهایی زیر توصیه می شود:

۱- در فعالیتهایی که کودک در آن مشارکت فعالی دارد نظیر بازی، کاردستی، تئاتر، نقاشی، انجام تکالیف و طوری پیش برویم که کودک هم آزادی اظهار نظر داشته باشد و احساس خویش را بیان کند، هم بتواند در صورت دلخواه از کار جدا شده فعالیت دیگری را دنبال کند.

۲- در آغاز یک فعالیت، کودک را برای انتخاب بازی و سرگرمی آزاد بگذارید. یعنی شرایطی را فراهم آورید که با طیب خاطر فعالیت دلخواهش را انتخاب کند.

۳- موقعیتهایی فراهم کنید که کودک بتواند از بین چند حالت یکی را انتخاب کند. بهتر است عناصر اصلی این موقعیتها را بازی، سرگرمی، معما، داستان، و نظایر اینها تشکیل دهد تا کودک با علاقه هم آنها را ببیند و گوش دهد و هم وادار به تصمیم گیری شود.

۴- سوالهای ذهنی را در قالب داستان برای کودک مطرح سازید و از او برای انتخاب و تصمیم گیری مناسب دعوت کنید.

۵- به انتخاب و تصمیم کودک هر چند غلط و نادرست احترام بگذارید و به گونه ای مناسب توجه کودک را به معایب انتخاب و تصمیمش معطوف سازید. از او دعوت کنید که سایر تصمیمات (راجع به آن موضوع) را بشنود و سعی کند کاستیهای نظراتش را خود بیان کند. بر عکس،

کودک برشمرد تا بیش از پیش آگاه شود.

۶- به رفتارهای آزاد و مستقل کودک که از جمع پیروی نمی کند، یعنی مانند رفتارهای سایر کودکان نیست بی توجه نباشید. سعی نکنید آنها را با فشارهای کلامی (تهدید و فشار) یا رفتارهای انضباطی به پیروی از جمع دعوت کنید و رفتار مستقل برای کودک یک جور انتخاب است که باید به آن احترام گذاشت ولی برای پرهیز از هرز رفتن باید آن را در مسیر مناسب هدایت کرد. این رفتار گاهی می تواند یک اندیشه یا نظر آزاد باشد و گاهی یک تصمیم گیری برای انجام یک عمل.

۲- پذیرش خطر و کسب تجربه

هدف از ورود به این فعالیت آن نیست که کودک را مجبور به پذیرش خطر کنیم یا به انجام خطر واداریم، بلکه تلاش می شود کودک توانایی جسارت پیدا کند و از خجالت و کمرویی فاصله بگیرد. با این توضیح هدف از این فعالیت اطمینان بخشی به کودک است تا او برخورد شجاعانه ای با تجربیات، تکالیف، سوال ها و مسابقه ها و ... داشته باشد و قدرت و توان خود را محک بزند. کودک به وسیله این مهارت ها شهامت پیدا می کند که با نادیده گرفتن ترس از دیگران با موقعیت ها، علایق، نظرات و احساسات خود را شجاعت تمام بیان کند. پذیرش خطر به این معنا با پذیرا بودن تجربه نسبت مستقیمی دارد. زیرا گاهی کسب تجربه های جدید و رویاروی با آنها مستلزم

فرض کرد.

فعالیت پذیرش خطر و کسب تجربه: برای پرورش پذیرش خطر و کسب تجربه بهتر است به فکر تدارک بازی گروه‌های چند نفره (هر گروه سه نفر) یا تنها یک گروه که اعضاء در آن شرکت کنند در نظر گرفت. موضوع بازی نیز بسیار مهم است زیرا باید بتواند حالت‌های زیر را در کودکان تقویت کند:

۱- قدرت جسارت و ابراز وجود

۲- میل ریسک کردن

۳- میل به تجربه موقعیت‌ها و شرایط

با ملاحظه این شرایط باید به سراغ بازی‌هایی برویم که حالات فوق را دامن زده و تقویت کند. در صورتی که توانستیم بازی مورد نظر را شناسایی کنیم می‌توان به سبک زیر عمل کرد:

پیشنهاد می‌شود بازی به صورت چند گروه مجزا برگزار شود. چون هم موجب حس همبستگی در کودکان می‌شود هم آنها را وارد به تحرك و میل به ریسک می‌کند. وقتی گروه بازی تشکیل شد می‌توان گروه‌ها را به رقابت با یکدیگر و داشتن افراد گروه رقابت و علاقمندی ایجاد کرد.

بازی‌های زیادی را برای این فعالیت می‌توان در نظر گرفت:

۱- هر نوع بازی ورزشی غیر معمول (یعنی بازی‌های غیر از فوتبال، والیبال و نظایر این‌ها).

۲- هر نوع بازی فکری غیر معمول. یعنی بازی‌های غیر از پازل‌ها، مکعب‌ها، هزار سازه‌ها، چیستان-

ها و نظایر این‌ها.

۴- هر نوع کنجکاوی غیر معمول. یعنی کنجکاوی هایی که به جاها یا مکان های کمتر شناخته شده سرک می کشید یا به دنبال هیجان است.

اکنون ما از بازی های ورزشی غیر معمول یک بازی را انتخاب و کودکان را برای بازی دعوت می کنیم. بازی مورد نظر ما «قلاب شانس» نام دارد. در این بازی می توان فضای کوچکی را برای چیدن وسایل پیش بینی کرد. بعد می توان کف آن را با وسایل رنگی دلخواه پوشانید. سپس مکانهای خاصی از این فضا را برای پنهان کردن شماره هایی که هر کدام می تواند جوایز یا پیامدهای خاصی را به دنبال داشته باشد در نظر گرفت. مثلاً می توان به یک شماره «تجربه کردن آب» را اختصاص داد و به یک شماره جایزه گرفتن یک بادکنک و به همین ترتیب. نقش قلاب شانس آن است که کودک را به شماره هایی که زیر پوشش ها قرار دارد می رساند. در این حالت کودک به وسیله قلاب، شانس خود را برای انتخاب عددها آزمایش می کند (دست به ریسک می زند) و سپس خود را برای جوایز یا پیامدها (تجربه کردن) آماده می سازد.

در واقع هدف از این نوع بازی به وجود آوردن موقعیتی است که کودک بتواند بر اساس رفتارهای خود پیامد رفتارهایش را تجربه کند. اگر او شماره «تجربه آب» را به دست آورد. باید پذیرد که بر سر او یک لیوان آب ریخته شود و از آن نهراسد و به همین ترتیب. این نوع بازی ها را می توان بنا به ذوق، سلیقه و امکانات در حد قابل توجهی طراحی کرد و کودکان را به بازی با آنها مشغول ساخت.

در حقیقت پس از پرورش شخصیت خلاق باید فرد را به سوی آمادگی برای پذیرش نقش‌های تخصصی در قالب‌های گوناگون نظیر نقاشی، طراحی، نویسندگی، شاعری، موسیقی، کارگردانی و ... هدایت کرد. آنچه تحت عنوان سایر روش‌ها نام می‌بریم فعالیت‌هایی‌اند که به پرورش خلاقیت تصویری، خلاقیت کلامی، خلاقیت حرکتی و خلاقیت مکانیکی یاری رسانند.

الف - خلاقیت تجسمی

مفهوم بنیادی در خلاقیت تجسمی توانایی ابراز خلاقیت در قالب اشکال و نمادهای تجسمی و تصویری است. در این نوع خلاقیت فکر یا ایده خلاق به صورت یک طرح یا تصویر نشان داده می‌شود. در اشکال عالی خلاقیت تجسمی ایده‌های بسیار نو آورانه و حتی عجیب و پیچیده نمودار می‌شود. افرادی که در این نوع از خلاقیت تبحر دارند، توانایی تجسم فضایی قوی را از خود نشان می‌دهند. آنان قادرند ایده‌ها و افکار خلاق خود را در قالب طرح‌های تصویری و تجسمی نشان دهند. بسیاری از طراحان، مجسمه‌سازان، نقاشان، کارگردانان و معلمان بزرگ و برجسته از چنین خلاقیتی برخوردارند. در اینجا برای پرورش خلاقیت تصویری به مهم‌ترین فعالیت آن یعنی «نقاشی» اشاره می‌کنیم.

شاید به دو دلیل؛ ۱- ایده‌یابی یا پیدا کردن موضوع نقاشی گاهی وقت گیر و حوصله بر است ۲- معمولاً کشیدن و ترسیم کردن به نظر سخت می‌آید. به هر حال، کیفیت نقاشی تا حدودی به مهارت ترسیم افراد بستگی دارد. این دو دلیل در اکثر موارد کودکان را وارد می‌کند که از فعالیت مفید و خلاقه نقاشی دور شوند.

ب - خلاقیت کلامی

تقریباً بخش بزرگی از خلاقیت بشری را خلاقیت‌های کلامی تشکیل می‌دهد. هسته اصلی این نوع خلاقیت را ایده‌هایی با ماهیت کلامی، نوشتاری و نمادهای زبانی می‌سازد. در این رابطه فعالیت‌های متعددی نظیر سخنوری، نویسندگی، شاعری، نظریه پردازی علمی، موسیقی و ... وجود دارد که فرهیختگان آنها قابلیت فوق العاده‌ای را در خلاقیت کلامی از خود نشان می‌دهند. ما در این بخش از پرورش خلاقیت به فعالیت‌های اشاره می‌کنیم که به تقویت خلاقیت کلامی می‌انجامد؛ از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به نویسندگی، قصه‌گویی، شعر و سرود اشاره کرد.

۱- نویسندگی

نویسندگی از جمله فعالیت‌های است که زمینه مناسبی برای پرورش خلاقیت فراهم می‌کند. با این حال، توانایی نویسندگی در دوران کودکی با دوران بزرگسالی قابل قیاس نیست و درست هم نیست که همانند فرض بشود. یقیناً، توانایی نویسندگی در دوران بزرگسالی مبتنی بر سال‌ها تجربه و دانش‌اندوزی است، چیزی که کودکان باید برای آن سال‌ها زحمت بکشند. به طور ویژه

ابتکار، ۴- هوش، ۵- تخیل. بنابراین، نوشتن وابستگی زیادی به تفکر و قدرت تخیل دارد، در صورت مهارت و ورزیدگی آنها می توان نظاره گر نوشتارهای بسیار خلاقه بود.

۲- قصه گوئی

اگر نویسندگی به تقویت خلاقیت نوشتاری کمک می کند، قصه گوئی مستقیماً به پرورش خلاقیت کلامی (سخنوری) یاری می رساند. از دیرباز قصه مورد توجه کودکان بوده است. بنابراین کمتر کودکی را می توان سراغ گرفت که به شنیدن قصه علاقمند نباشد. به ویژه آن که قصه توسط فردی مهربان و خوش سخن گفته شود. ویژگی عمده قصه گوئی خلاق یکی این است که ذهن کودک را به تخیل و تصویرسازی می کشاند؛ کودک هنگام شنیدن قصه خود را در زمانها، مکانها و حالات مختلف تجربه می کند. و ویژگی دیگر قصه گوئی این است که به وسیله طرح تجربیات مختلف برای کودکان، ذهن آنها به سوی تحلیل، تفکر، ابتکار و چگونگی سوق داده می شود.

۳- شعرخوانی و سرود خوانی

یکی دیگر از روشهای پرورش خلاقیت کلامی توجه کردن به شعر و سرود در فعالیتهای کودکان است. شعرخوانی از جمله فعالیتهایی هستند که تقریباً در اکثر محیطهای آموزشی کودکان مورد استفاده قرار می گیرند. زیرا کودکان به حفظ کردن اشعار و سرودهای کودکانه

جلب می کند. آنچه باعث می شود از این دو فعالیت برای پرورش خلاقیت استفاده شود نقشی است که آنها در تقویت عنصر اعتماد به نفس، سیال سازی کلامی و تخیل دارند.

ج - خلاقیت موسیقایی

موسیقی از جمله فعالیت هایی است که شاید به طور مستقیم توانایی کلامی در آن دخالتی نداشته باشد، اما به دلیل آن که به نمادهای زبانی وابسته است با خلاقیت کلامی ارتباط پیدا می کند. با این توصیف، موسیقی نیز دارای زبان خاصی است که ریتم و آهنگ بر اساس آن تولید و ابداع می شود. در دنیای خلاقیت این قابلیت کاملاً به ذهن خلاق وابسته است؛ اگر ذهن از قابلیت تولید و ترکیب خلاق بر خوردار نباشد قادر به تولید ریتم، ملودی و هارمونی در موسیقی نخواهد بود. پس همانند نقاشی، نویسندگی و شعر، موسیقی را باید محصول خلاقه ذهن به شمار آورد.

د - خلاقیت حرکتی

هر چند پرورش خلاقیت حرکتی نسبت به دو نوع دیگر یعنی تصویری و کلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته، با این حال آن را به عنوان یکی از انواع مهم خلاقیت باید مورد توجه قرار داد. مفهوم اساسی خلاقیت حرکتی را تنوع و ابتکار در حرکات و نرمش های بندی و فیزیکی تشکیل می دهد. همانطور که اندیشه، زبان و تخیل خلاق می شوند و نشانه هایی دال بر خلاقیت را از خود نشان می -

خود نشان دهد.

۱- بازی

بازی از سرگرمی های کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان است. در یک تعریف ساده از بازی باید آن را فرصتی برای تجربه کردن موقعیتها، کلنجار رفتن و سرگرم شدن با آنها، کسب موفقیت، اندیشه کردن درباره پدیده های، یادگیری ای جدید، رفع موانع و مشکلات، آشنا شدن با دیگران، رقابت و حتی زورآزمایی فکری و جسمی با انسانها و محیط دانست. در مباحث مربوط به پرورش خلاقیت، بازی همواره به عنوان یکی از راهبردهای کاملاً موثر مطرح بوده است. زیرا بازی فضا و شرایطی را خلق می کند که فرصت های زیادی برای رشد و تحول خلاقیت افراد به وجود می آید. این فضا و شرایط از سال های نخستین کودکی آغاز می شود و کودکان در این دوران تجربیات زیادی را اعم از آشنایی با اشیاء، بازی و دستکاری آنها، کشف خود و بدن خویش، انجام حرکات بدنی، کشف محیط، آشنایی با طبیعت و موجودات زنده و نظایر اینها را به کمک بازی کسب می کنند. ماهیت بازی های دوران کودکی معمولاً آزاد، شخصی و فارغ از قواعد است به خلاق تر شدن کودک کمک زیادی می کند.

۲- نمایش و تئاتر

نمایش و تئاتر هم فرصتی برای کسب خرسندی بود و هم فرصتی برای بیان ایده‌ها و پیام‌های اجتماعی که شاید اظهار صریح آنها ممکن نبود. در واقع عرصه نمایش به هنرمندانی نیاز داشت که با چیرگی و تبحر خاص خویش به طرح شادی و نیاز پردازند.

ه - خلاقیت مکانیکی

خلاقیت مکانیکی از تفکرات و مهارت‌های عالی بشر به شمار می‌رود که در آفرینش و خلق اشیاء تغییر محیط و ابداع وسایل و فن‌آوری‌ها تبلور می‌یابد. در دنیای بشری ردپای این نوع خلاقیت مشهود است. اختراع اتومبیل، کامپیوتر، موبایل و ... نمونه‌هایی هستند که خلاقیت مکانیکی در آنها نقش اساسی دارد. در انواع قبلی خلاقیت محور ابتکار و نوآوری تجسم، زبان و حرکات بود در حالی که در این نوع، محور ابتکار اشیاء و دنیای فیزیکی است.

۱- کاردستی

کاردستی از فعالیت‌های مورد علاقه و دوست داشتنی کودکان است. به همین علت، خیلی از مکان‌ها یا موسسه‌هایی که با کودکان سر و کار دارند در برنامه‌های خود این فعالیت مفید و خلاقه را پیش‌بینی می‌کنند. آنها ممکن است وسایل را به صورت خام در اختیار کودکان قرار دهند یا به صورت مدل یا الگو (یعنی تقریباً آماده).

۱- پیرخائفی، علیرضا (۱۳۷۶-۴ شهریور) آیا خلاقیت را می توان آموزش داد؟ روزنامه همشهری

۲- پیرخائفی، علیرضا (۱۳۷۷، ۱۵ اردیبهشت) چه عواملی خلاقیت را کاهش می دهد؟ (تألیف

هنسی و آمابیلی)، روزنامه همشهری

۳- پیرخائفی، علیرضا (۱۳۷۷) مدیریت خلاقیت و هنر، مجموعه مقالات گردهمایی پژوهشی

مدیریت و هنر، مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۶) خلاقیت دانش آموزان چگونه شکوفا می شود؟ روزنامه

همشهری

۵- سلیمی باهر، حسین (۱۳۷۵) مطالعه در خدمت پرورش خلاقیت، مجله تربیت شماره ۶.

۶- قاسم زاده، حسن (۱۳۷۴) خلاقیت استعداد همگانی و قابل پرورش، مجله پژوهشی و مهندسی

شماره ۲۲.

۷- قاسم زاده، حسن (۱۳۷۵) اهمیت تعریف و مساله در خلاق بودن راه حل ها، فصلنامه پژوهش و

مهندسی شماره ۷ و ۸.

۸- نیلی آرام، علی (۱۳۷۷) خلاقیت و نوآوری در سازمان، مجله تدبیر شماره ۸۵.

۹- گفتگو (؟) خلاقیت و نوآوری، مناظره فرهنگی اندیشمندان، مجله نامه فرهنگ شماره ۲۲.